

بازنمایی «دیگری» در قالب کارگزاران اجتماعی در روزنامه‌های قانون و کاوه

سمیه زمانی*

محسن خلیلی**

چکیده

تحلیل گفتمان رویکردی ساختاری است که امکان پیوند متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. متون سیاسی - اجتماعی محصول بافتار پیچیده و درهم‌تنیده قدرت و ایدئولوژی است. واکاوی معانی آنها پیوندهای پنهان ایدئولوژی - سلطه را آشکار می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی از جمله رویکردهای نوین در تجزیه و تحلیل گفتمان به شمار می‌رود. بسیاری از تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به مؤلفه‌های زبان‌شناختی توجه دارند، اما «ون‌لیون» معتقد است که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی شناختی عمیق‌تر از متن ارائه می‌دهند. در این مقاله کوشش شد با به کار بستن الگوی ون‌لیون، به واکاوی معنای عنصر «غیر - دیگری» در دو روزنامه عهد مشروطیت، قانون و کاوه، پرداخته شود. به‌ویژه تلاش شد بازآفرینش مقوله دیگری در قالب کارگزاران اجتماعی صورت پذیرد، افرادی که در هیئت انسان‌های کوشش‌گر تلاش می‌کنند اوضاع جامعه را بهبود بخشند. پژوهش، با بهره‌گیری از انواع پوشیده و صریح ارجاع به کارگزاران در قالب فعال - منفعل‌سازی، مشخص‌سازی - تشخیص‌زدایی، نام‌دهی، طبقه‌بندی کردن، انتزاعی‌سازی و تعیین ماهیت انجام گرفت.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، مشروطیت، قانون، کاوه، تحلیل انتقادی گفتمان، الگوی ون‌لیون.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی S_zamani_th@yahoo.com

** دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) khalilim@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، نقد ادبی و زبان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در تحلیل گفتمان به تحلیل ناگفته‌های متن پرداخته می‌شود. این ناگفته‌ها با روش‌هایی مانند بررسی واژگان یک متن و معانی آن‌ها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارت‌ها، از پیش‌انگاری‌های موجود در متون و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی مختلف آشکار می‌شوند. یعنی متون به خودی خود دارای معنا نیستند، بلکه این فرایندهای ذهنی اهل زبان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (مخاطبان) است که به آن‌ها معنا می‌دهد.

در دهه ۱۹۷۰ صورتی از تحلیل گفتمان ظهور کرد که به نقش زبان در سازمان‌دهی روابط قدرت در جامعه توجه داشت. تحلیل انتقادی گفتمان نگاهی انتقادی به پیوند پنهان ایدئولوژی و قدرت داشت. تحلیل‌گران انتقادی گفتمان از روش‌های متعدد بهره می‌برند. ون‌لیوون از تحلیل‌گران انتقادی گفتمان است که به بازنمود کارگزاران اجتماعی در متون می‌پردازد و به گفتمان معنایی زبان‌شناختی - اجتماعی می‌دهد. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی بازنمود تفکیک‌ناپذیری کارکرد اجتماعی و تظاهرات زبان‌شناختی گفتمان‌اند که در نوع بازتاب کارگزار اجتماعی در گفتمان مشارکت دارند. مقوله‌های جامعه‌شناختی - معنایی، بر خلاف مقوله‌های زبان‌شناختی، در اصل همه‌شناختی عمل می‌کنند. ریشه مفهوم discourse را می‌توان در فعل یونانی discutette. به معنی حرکت سریع در جهات مختلف، (dis در جهت مختلف و cuttete دوییدن یا سریع حرکت کردن) یافت (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶). این مفهوم به معنی تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به کار برده می‌شود، اما همان‌طور که از ریشه آن پیداست در علم بیان کلاسیک بر زبان به عنوان حرکت و عمل تأکید می‌شده است. معادل‌های فارسی تحلیل گفتمان را می‌توان مقال، سخن، کلام، سخن‌کاوی، سخن‌سنجی و تحلیل کلام برشمرد.

بر خلاف دستور زبان که با عبارت‌ها و جمله‌ها سر و کار دارد، گفتمان به واحدهای زبانی بزرگ‌تر چون بند، مصاحبه، مکالمه و متن نظر دارد. موضوع تحلیل گفتمان عبارت است از این‌که چگونه جمله‌ها در زبان گفتاری و نوشتاری باعث تولید واحدهای معنا دار بزرگ‌تری مانند بند، مکالمه و مصاحبه می‌شوند. گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط و تحلیل گفتمان عبارت است از جست‌وجو برای یافتن آن‌چه به گفتمان انسجام می‌بخشد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸). در حقیقت کلام در بستر گفتمان

شکل می‌گیرد. گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند. آن‌ها سازنده موضوعات‌اند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۸). معنا بخشیدن و تعریف از طریق موقعیت‌های اجتماعی به دست می‌آید که از جانب به‌کارگیرندگان گفتمان‌ها اشغال شده است. معانی نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی - سیاسی قدرت ناشی می‌شوند. گفتمان پدیده، مقوله یا جریانی اجتماعی است و بستری است که زمینه‌ای اجتماعی دارد. اظهارات و مطالب بیان‌شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح‌شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها، همگی به این نکته بستگی دارند که مطالب بیان‌شده، گزاره‌های مطرح‌شده، قضایای مفروض و دیگر مطالب، کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۵۵، ۵۶).

گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی را دربر می‌گیرد. گفتمان به مثابه رویدادی ارتباطی در موقعیت اجتماعی است. تحلیل گفتمان را بر اساس مقوله کنش نیز می‌توان تعریف کرد. یعنی، تحلیل گفتمان به مثابه کنش جاری اجتماعی با تأکید بر نظم و سازمان است (دایک، ۱۳۸۲: ۸۰). کنش اجتماعی در انتزاع صورت نمی‌گیرد بلکه در بستر یا بافتی اجتماعی روی می‌دهد. بنابراین متأثر از قدرت و ایدئولوژی نهفته درون بافت است. کنش عبارت است از نیت‌مندی، جهت‌مندی و هدف‌مندی گوینده و شنونده و به‌نوعی زاویه دید و تعامل میان آن دو را نشان می‌دهد (همان: ۹۰-۹۶). بافت به معنای محیط، شرایط و بستر رخداد کنش گفتمان است، موقعیت‌مندی و به عبارت دیگر پشت صحنه، مکان، محیط، شرایط یا دلایل عمل را بیان می‌کند و دربرگیرنده تحقق موقعیتی اجتماعی است و سه عنصر رخداد یعنی مشارکت‌کنندگان، فضا و صحنه یعنی زمان و مکان و موقعیت گوینده اعم از خصوصی، عمومی، رسمی و غیر رسمی بودن آن و ابزار صحنه را در خود قرار می‌دهد. در کنار هم بودن این عوامل سبب می‌شود ژانر گفت‌وگویی خاص بر صحنه حاکم شود (همان: ۹۶-۱۰۱).

تحلیل گفتمان نوعی ساختارگرایی و رویکردی است مبتنی بر تأکید بر ویژگی‌های نظام‌مند پدیده‌ها، به‌ویژه ارتباط میان عناصر یک نظام. در این دیدگاه کل از مجموعه اجزای آن بزرگ‌تر است. واقعیت اجتماعی نه در اشیا بلکه در روابط میان آن‌ها تحقق می‌یابد و

کلمات به واقعیتی مستقل و عینی اشاره ندارند. واقعیت اجتماعی را از طریق مطالعات مقاطع خاص بهتر می‌توان فهمید تا از طریق تحلیل تاریخی. عناصر یک زبان علائمی قراردادی‌اند؛ بنابراین معنای آن‌ها می‌تواند از گوینده‌ای به گوینده دیگر، از موقعیتی به موقعیت دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر کند. یعنی معنا در ارتباط میان کلمات نهفته است؛ به گونه‌ای که در نقطه خاصی از زمان تحقق می‌یابد (گال، ۱۳۸۷: ۱۱۱۰-۱۱۹۸). هدف تحلیل گفتمان متن عبارت است از آشکار کردن هنجارها و قواعد پنهان در تولید زبان. این نوع تحلیل به ویژه علاقه‌مند است بدانند که چگونه گفتمان متشکل از مجموعه‌ای از واحدهای سلسله‌مراتبی است که ساختار گفتمانی را می‌سازند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۸). تحلیل گفتمان در تلاش است پیوند میان نویسنده، متن و خواننده و ساختار عمیق و پیچیده تولید متن را برای آشکارسازی تأثیر بافت متن و بافت موقعیت بر گفتمان نشان دهد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۲). تحلیل‌گران گفتمان معتقدند که با توجه به فقدان واقعیت اجتماعی، گفتمان بی‌طرف وجود ندارد؛ بنابراین متن کل معناداری است که لزوماً معنای آن در خود متن نیست.

روش تحلیل در این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان است؛ شاخه‌ای علمی و میان‌رشته‌ای در زبان‌شناسی و رهاورد تفکر پست‌مدرن. این روش کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. عواملی هم‌چون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نمادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیک، متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورند. تحلیل گفتمان انتقادی زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتاری و نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. یعنی زبان آینه شفاف نیست که حقایق را بنمایاند، بلکه شیشه مات است که حقایق را تحریف می‌کند و چگونگی تحریف آن در اراده قدرت‌های پنهان و آشکار حاضر در نمادهای اجتماعی نهفته است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: مقدمه، نه). این امر ناشی از در اختیار داشتن قدرت و ایدئولوژی در کنترل اذهان و اعمال است. وظیفه تحلیل‌گر زبان‌شناس انتقادی این است که با پرده افکندن از صورت ظاهر متون، معانی نهفته واژه‌ها و جمله‌ها را در متن بازنمایی کند.

در این مقاله به بررسی دو متن از متون مطبوعاتی عصر مشروطه می‌پردازیم تا بازنمود هویت «دیگری» را در قالب کارگزاران اجتماعی درک کنیم. در دوران مشروطیت نخستین رویارویی جدی میان دیگری غرب و خودی ایرانی شکل گرفت و غرب به عنوان دیگری ایرانی مطرح شد.

۲. چهارچوب نظری

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که در اجتماع شکل می‌گیرد، تغییر می‌یابد و رشد می‌کند. انسان‌ها زبان را برای برقراری ارتباط بین اندیشه‌ها، باورها، بیان احساسات و تعامل اجتماعی به کار می‌برند (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۱۸). از طریق زبان می‌توان به واقعیت دست یافت، ولی بازنمایی واقعیت، از پیش، موجود و عینی نیست. زبان در ایجاد واقعیت نقش اساسی ایفا می‌کند و اشیا و پدیده‌ها را از طریق گفتمان معنادار می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). گفتمان به تلازم گفتار با کردار اجتماعی یا معنای آن (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۵) و یا به مثابه یک نظریه، شامل کلیت ساختاردهی شده‌ای است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۶: ۵۱۳).

تحلیل گفتمان حوزه مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که در زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم ارتباطات و ... کاربرد دارد. تحلیل گفتمان بر واحدهای متشکله و ساختار جمله تمرکز می‌کند و با تحلیل زبان کاربردی سر و کار ندارد (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۱). تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در بافت‌های اجتماعی و به‌ویژه با تعامل یا محاوره بین سخن‌گویان سر و کار دارد. در این نظریه سعی می‌شود حضور پنهان ایدئولوژی و قدرت در ورای عقل سلیم کشف و بازنمایی شود (حقیقت، ۱۳۸۶: ۵۱۶). تحلیل‌های گفتمانی بر حسب سه گروه از پژوهش‌گران به سه نوع طبقه‌بندی می‌شود: تحلیل‌گران گفتمانی، روان‌شناسان اجتماعی و زبان‌شناسان نقاد (غلامرضا کاشی، ۱۳۷۹: ۷۰). به تدریج از ابتدای دهه ۱۹۹۰ اصطلاح تحلیل انتقادی گفتمان جای زبان‌شناسی انتقادی را گرفت (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۲).

زبان‌شناسان نقاد، و فرکلاف چهره بارز آن‌ها، بیش‌تر به مبانی فوکوی تعریف گفتمان وفادارند. نقش آن‌ها انضمامی‌تر کردن مباحث فوکو و روش‌مند ساختن پژوهش‌های تحلیل گفتمانی است. به رغم تفاوت‌هایی که در رویکردهای مختلف تحلیل انتقادی گفتمان وجود دارد، یورگنسن و فیلیپس آن‌ها را در پنج اصل بیان کرده‌اند: بخشی از ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی، زبانی - گفتمانی است. گفتمان هم سازنده و هم ساخته شده است. کاربرد زبان باید در بافت اجتماعی به صورت تجربی تجزیه و تحلیل شود. گفتمان کارکرد ایدئولوژیک دارد؛ از لحاظ سیاسی بی‌طرف نیست و رویکردی انتقادی است که از لحاظ سیاسی متعهد به ایجاد تغییرات اجتماعی است (Jorgensen and Philips, 2002: 62-64).

این رویکرد کار تفسیر روابط پیچیده بین نوشتار، گفتار، شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه و فرهنگ را بر عهده دارد. ملاک‌های شایستگی‌اش صرفاً توصیفی، مشاهده‌ای و یا

حتی تبیینی بودن آن نیست و موفقیت آن به میزان کارایی و اهمیت و سهم آن در ایجاد تغییر بستگی دارد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

ون‌لیوون در جایگاه تحلیل‌گر انتقادی گفتمان به ابداع روش نوینی پرداخت که به جای کاربرد شاخص‌های زبان‌شناختی، شاخص‌های جامعه‌شناختی - معنایی را ملاک تحلیل قرار می‌دهد. منظور از مؤلفه‌های زبان‌شناختی، نام‌دهی، و مجهول - معلوم ساختن است که عاملان عمل را عینیت می‌بخشد، حذف می‌نماید و یا غیر شخصی می‌کند.

در مقابل اکثر تحلیل‌گران گفتمان، که توجه خود را به تظاهرات زبان‌شناختی این مؤلفه‌ها معطوف کرده‌اند، ون‌لیوون در مقاله‌ای با عنوان «تصویرسازی کارگزاران اجتماعی» با ارائه فهرستی از شیوه‌های بازنمایی یا به اصطلاح تصویرسازی کارگزاران اجتماعی و تبیین شیوه‌ها، چنین استدلال می‌کند که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان، شناختی به‌مراتب عمیق‌تر و جامع‌تر از متن به دست می‌دهد. ون‌لیوون در روش خود بر این موارد تأکید می‌کند: کارایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در نشان دادن لایه‌های متفاوت گفتمان، به‌ویژه لایه‌های زیرین، متن است. منظور از کارگزاران اجتماعی عاملانی‌اند که در چهارچوب نقش و کارکرد خاصی عمل می‌کنند و در هر یک از نهادهای رسمی و غیر رسمی در جامعه برابر الگو و عرف مشخص (و تا حد زیاد قابل پیش‌بینی) رفتار می‌کنند. گفتار و کلام هر یک از کارگزاران نیز در قالب همین اعمال و دیدگاه فکری - اجتماعی و یا ایدئولوژی حاکم بر این نهاد معنا پیدا می‌کند و تفسیر می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). در مقاله پیش رو این پرسش مطرح می‌شود که «دیگری» غربی در دو روزنامه قانون و کاوه با کدام تفاوت‌ها و تحت چه مؤلفه‌هایی بازنمایی می‌شود؟

در آغاز کلیه متون دو روزنامه مورد مطالعه قرار گرفت و با تمرکز بر «دیگری غربی»، جمله‌های گفتمان‌مدار شناسایی شد و با استفاده از الگوی ون‌لیوون مورد تحلیل قرار گرفت. پس از تحلیل کیفی، در مرحله بعد با استفاده از تحلیل کمی بسامد، درصد و نسبت داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. در مقایسه معناداری تفاوت میان رازگونی در دو روزنامه فرمول نسبت به کار رفت. منظور از رازگونی میزان حضور و بازنمایی کارگزاران اجتماعی در متن است. حذف، منفعل‌سازی، تشخیص‌زدایی، جنس ارجاعی و طبقه‌بندی کردن ارجاعات پوشیده به کارگزاران و فعال‌سازی، نوع ارجاعی، پیوند زدن، تفکیک کردن، نام‌دهی و مشخص‌سازی تک‌موردی ارجاعات صریح به کارگزاران محسوب می‌شود. برای محاسبه بسامد و درصد ارجاع پوشیده، ابتدا ارجاعات پوشیده و تعدادشان شمارش، و سپس بسامد و درصدشان محاسبه شد. نسبت مجموع ارجاعات پوشیده به کل ارجاعات

پوشیده و صریح، ضرب در ۱۰۰، فرمول تعیین رازگونگی هر روزنامه بود. پیشینه کاربست الگوی ونلیوون هنوز پرتعداد نیست. حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴) این روش را به کار گرفته‌اند. یارمحمدی (۱۳۸۳) به روش ونلیوون توجه کرده و یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) نیز با به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ونلیوون (۲۰۰۸) به بررسی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل پرداخته و ابعاد الگوی ونلیوون در تحلیل کنش‌گران اجتماعی را به کار گرفته‌اند. مقاله پهلوان‌نژاد، صحراگرد و فلاحی (۱۳۸۸) نمونه خوبی برای کاربست روش ونلیوون بود که نگارندگان مقاله پیش‌رو به آن توجه داشته‌اند. آقاگل‌زاده، خیرآبادی و گلغام (۱۳۹۲) نیز با به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ونلیوون (۲۰۰۸) مطالعه‌ای تطبیقی در شیوه‌های بازنمایی پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی انجام داده‌اند.

۱,۲ مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی ونلیوون

۱,۱,۲ حذف (exclusion)

به دلایل گوناگون گفتمانی تمام کارگزاران اجتماعی در گفتمان بازنمایی نمی‌شوند. گاهی عامل عمل مشخص نیست، اما کردار او در جمله باقی است. این گونه حذف پس‌زمینه‌سازی است که عامل اجتماعی با رانده شدن به حاشیه بیش از آن‌که به‌کل حذف شود، توجه از آن گرفته می‌شود (ونلیوون، ۱۹۹۸: ۳۱). اما در بازنمایی کارگزاران اجتماعی، گاهی هم خود کارگزار و هم اعمال و رفتار او حذف می‌شود و اثری بر جا نمی‌ماند. این حذف به‌نوعی کتمان عامل اجتماعی است (همان: ۲۸ و ۲۹).

۲,۱,۲ اظهار (inclusion)

از کارگزاران و عاملان اجتماعی در بسیاری از موارد مستقیم و صریح در گفتمان نام برده می‌شود که روش بازنمایی آن‌ها چنین است:

۱,۲,۱,۲ تعیین نقش (role allocation)

تعیین نقش کارگزار الزاماً با نقش دستوری کارگزار زبان‌شناختی یکی نیست و بازنمایی می‌تواند کارگزار را از نو نقش‌دهی کند یا به روابط اجتماعی مابین عاملان و مشارکان عمل جلوه دیگر بخشد. از منظر جامعه‌شناختی - معنایی کارگزاران به دو گونه فعال و منفعل بازنمایی می‌شوند. بازنمایی یا به صورت نیرویی فعال و پویای درگیر عمل و یا

«تن دردهنده»، «پذیرنده» و «گیرنده عمل» انجام می‌شود (ون لیوون، ۱۹۹۸: ۳۲). اگر بازنمایی به گونه‌ای باشد که کارگزار موضوع و هدف عمل قرار داده شود منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم و اگر کارگزار به گونه غیر مستقیم دریافت‌کننده نتیجه عمل باشد منفعل‌سازی تأثیرپذیری غیر مستقیم نام می‌گیرد (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

۲،۲،۱،۲ تعیین نوع اشاره (reference allocation)

در گفتمان می‌توان به کارگزاران اجتماعی مشخصه انسانی یا غیر انسانی بخشید. اگر کارگزار اجتماعی به صورت انسان تصویرسازی شود، در تشخیص‌بخشی (personalization) و چنانچه به صورت غیر انسان بازنمایی شود در تشخیص‌زدایی (impersonalization) قرار می‌گیرد. چنانچه در بازنمایی هویت کارگزاران اجتماعی به هر شکل مشخص شود، مشخص‌نمایی (determination) در کار است و اگر آن‌ها به صورت افراد، گروه‌های نامشخص، نامعلوم و ناشناس بازنمایی شوند، نامشخص‌سازی (indetermination) مورد استفاده است (ون لیوون، ۱۹۹۸: ۴۶). مشخص‌سازی چند روش دارد.

الف) پیوندزدن و پیوندزدایی

در این روش مشخص‌سازی از طریق بازنمایی کارگزاران اجتماعی به شکل گروهی صورت می‌گیرد و این گروه‌ها در فعالیت و دیدگاه خاص، نظری واحد، موافق یا مخالف دارند (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۹).

ب) تفکیک کردن

یکی از شیوه‌های اصلی مشخص‌سازی تفکیک کردن یا عدم تفکیک یا تمایزگذاری است. این روش تمایز قائل شدن بین فرد کارگزار یا گروه کارگزار با فرد یا گروه شبه آن‌ها، متمایز دانستن «خودی» از «غیر خودی» یا «ما» از «آن‌ها» و «دیگران» است (ون لیوون، ۱۹۹۸: ۳۹).

ج) نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن (nomination and a categorization)

هویت کارگزاران اجتماعی به دو گونه بازنمایی می‌شود: یا بر اساس هویت خاص و منحصر به فرد خود که «نام‌دهی» است؛ یا بر اساس هویت جمعی خود و نقش‌هایی که در آن با دیگر کارگزاران شریک و سهیم است یعنی «طبقه‌بندی» (ون لیوون، ۱۹۹۸: ۴۰). طبقه‌بندی بر اساس سه مقوله صورت می‌گیرد؛ نقش‌دهی: کارگزار بر اساس فعالیت، پست، مقام و القاب یا احترامات و شبیه به این موارد که به کارگزار مربوط است، بازنمایی می‌شود (همان: ۴۲)؛ هویت‌دهی: در این مقوله کارگزار یا بر اساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و

تاریخی مانند نژاد، قومیت، جنس، مذهب، و حرفه یا بر اساس روابط خویشاوندی، دوستی و شغلی یا بر اساس خصوصیات جسمی است (همان: ۴۲)؛ ارزش دهی: بازنمایی در این مقوله نیز با استفاده از اصطلاحات تقابلی و ارزشی بازنمایی می‌شود.

د) مشخص‌نمایی تک‌موردی (single determination) و چندموردی (over determination) در مشخص‌نمایی تک‌موردی، بازنمایی کارگزار اجتماعی به صورتی است که در آن واحد کارگزار در یک کارکرد اجتماعی فعالیت دارد. بر خلاف این نوع، مشخص‌نمایی چندموردی در بازنمایی‌هایی وجود دارد که در آن کارگزاران اجتماعی در بیش از یک کارکرد اجتماعی دخالت داشته باشند (همان: ۴۷). زیرشاخه‌های این بازنمایی انواعی دارد: الف) وارونگی (inversion): در این بازنمایی کارگزار با دو نقش متقابل بازنمایی می‌شود که این دو نقش می‌تواند یکی مربوط به گذشته و دیگری مربوط به زمان حال و یا هر دو نقش ناهم‌خوان صورت پذیرد و ناهنجار بازنمایانده می‌شود. گونه اول را «زمان‌درهمی» (anachronism) و گونه دوم را «هویت‌درهمی» (deviation) می‌گویند (ون‌لیوون، ۱۹۹۸: ۴۸)؛ ب) نمادین‌شدگی (symbolization): هنگامی که به جای کارگزاران واقعی در کارکردهای اجتماعی متعارف و غیر داستانی، یک کارگزار یا گروهی از کارگزاران اجتماعی تخیلی و غیر واقعی نشانده شود (همان: ۴۸)؛ ج) دلالت ضمنی کردن (connotation): این بازنمایی زمانی صورت می‌گیرد که یک «مشخص‌نمایی» خاص و منحصر به فرد «یک نام‌بری با یک هویت‌نمایی جسمی» جای طبقه‌بندی یا کارکردنمایی را بگیرد. در این حالت کارگزاری مشخص با نقش و ویژگی مشخص می‌تواند نقش دیگری را بر عهده داشته باشد (همان: ۴۹)؛ د) فشردگی (distillation): انتزاع صفتی خاص از گروهی از مردم و اطلاق آن به هر یک از افراد گروه را فشردگی می‌نامند (همان: ۴۹).

تشخص‌زدایی نیز گوناگونی‌هایی دارد: انتزاعی و عینی کردن. انتزاعی کردن هنگامی است که ویژگی کارگزار جانشین او شود. عینی کردن عبارت است از:

- مکان‌مداری: بازنمایی از طریق مکان؛
- ابزارمداری: بازنمایی به کمک اشاره به ابزار؛
- گفته‌مداری: بازنمایی به کمک اشاره به گفته‌ها و نوشته‌های کارگزاران؛
- اندام‌مداری: بازنمایی به کمک اشاره به بخشی از بدن کارگزار اجتماعی (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۳).

۳,۲,۱,۲ تعیین ماهیت (type allocation)

غیر از تعیین نقش کارگزاران اجتماعی در بازنمایی، تصمیم‌گیری در خصوص اشاره شخصی یا غیر شخصی به آن‌ها، انتخاب بین اشاره از طریق نوع (specification) یا اشاره از طریق جنس (gentrification)، یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده در بازنمایی و عرضه کارگزاران اجتماعی است. نوع در مقابل جنس واقعیتی است که آن را با تجربه بلافاصله خود درک می‌کنیم و جنس واقعیتی است دست دوم که از طبقه‌بندی تعدادی از انواع حاصل می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). نوع‌نگری دو دسته است: یا به کارگزاران اجتماعی به عنوان افراد مستقل اشاره می‌شود (فرد ارجاعی) و یا به عنوان گروه‌هایی از افراد (همگون‌سازی)، یعنی گروه‌بندی افراد مستقل بر اساس خصوصیت مشابه. در این صورت اگر گروه‌های کارگزاران اجتماعی با عدد نشان داده شوند و یا با آن‌ها مثل عدد و رقم رفتار شود «گروه‌بندی» (aggregation) در کار است (مجموعه ارجاعی) و در غیر این صورت «اشتراک‌سازی» (collectivization) است یا کل ارجاعی (ون‌لیوون، ۱۹۹۸: ۳۸). از نظر جامعه‌شناسان دو مؤلفه جنس و نوع با طبقات جامعه ارتباط مستقیم دارند. مثلاً، در گفتمان طبقه کارگر، بیش‌تر نوع‌نگری برقرار است و در گفتمان طبقه حاکم و بورژوازی جنس‌نگری (حیدری تبریزی و رزمجو، ۱۳۸۴: ۲۸).

۲,۲ دیگری

گوناگونی، غیریت و هویت ملازم یکدیگرند زیرا خصایص ناهمانند اجتماعی و سیاسی در مقوله «غیر» و ویژگی‌های مشترک آنان در مقوله «خودی» قرار می‌گیرند و گوناگونی را در ربط وثیق با هویت‌سازی قرار می‌دهند. گزارش‌گر تاریخ نیز چنین می‌نمایاند و در حقیقت روایتی از واقعیت تاریخی شده را برجسته می‌نماید که در راستای فروتر نمایاندن پدیده‌ای و فراتر نشان دادن پدیده‌ای دیگر است. راوی تاریخ نیز هویت‌ساز است، زیرا از همان آغاز به تفکیک و رده‌بندی می‌اندیشد. غیریت‌سازی موجب تثبیت هویت گفتمان خودی می‌شود و بدون دیگری هویت خود وجود نخواهد داشت. فضای رقابت میان گفتمان‌ها حاصل غیریت‌سازی یا «دیگربود» است. نکته مهم این است که غیریت مسئله تفاوت نیست، بلکه مسئله سلسله‌مراتب نیز هست، دیگری کسی است که ما خود را از آن پست‌تر یا والاتر می‌دانیم (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۳). شناخت دیگری می‌تواند به عنوان یک دیگری بالا یا پست رخ دهد. آن‌چه در نوشتار پیش‌رو «دیگری ایرانی» را شکل می‌دهد در قالب تعلقات به غرب به عنوان یک کلیت فرهنگی تعریف می‌شود. دوگانگی خود و دیگری، خود ایرانی و دیگری

غربی است. بن‌مایه هویتی دیگری عبارت است از فرهنگ و سنت غرب، وجوه اقتصادی زندگی، عناصر جامعی ساختارها و قدرت و شهروندی و مشروعیت که بر تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استوار شده‌اند. برای شناخت تمایزات خود و دیگری، نیازمند شناخت زمینه‌ها و ساختارهای تاریخی هستیم.

۳. زمینه تاریخی: قاجار به و مشروطیت

حکومت قاجار دنباله سلطنت استبدادی فردی ۲۵۰۰ ساله ایران و دارای همان ویژگی‌هایی بود که با اندک تفاوتی در دوره‌های مختلف سلطنت در ایران به چشم می‌خورد. شاه یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به کلیه امور کشوری و لشکری، فرمانده نظامی کشور، ولی نعمت همه ملت، امر او لازم‌الاجرا، فرمان او لازم‌الاطاعه و سلطنت او موهبت الهی و وجود او منشأ برکت برای عامه رعایای او بود (شمیم، ۱۳۷۸: ۳۲۴). به عنوان ویژگی‌های ساختار سیاسی قاجارها باید به مطلق‌گرایی، فقدان قدرت نهادینه‌شده حکومتی، فقدان نیروی کارآمد، نفوذ بیگانگان در ساختار نظام و تفرد و یگانگی قدرت اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۸۲). در این دوران اولین برخورد جدی ایرانیان با غرب رخ داد و در پی شکست از روسیه، تجربه تلخی از رویارویی با غرب نصیب ایرانیان شد که بر فرهنگ و هویت ایرانی تأثیرگذار بود. نهضت مشروطه به نوعی چالش با ساختارهای سنتی جامعه ایران انجامید. تأکید بر فرد، انتقاد از معیارهای استبدادی و پدرسالارانه و گرایش به یک نظام ارزشی نوین و آزادمنشانه، از عوامل عمده این چالش بود (مصباحی‌پور، ۱۳۵۸: ۷۲). ایرانی دوران قاجار و به‌خصوص پس از مشروطه، در امتزاج میان هویت ایرانی با هویت متجددانه با مشکل نوینی روبه‌رو شد. این امر به شرایط پس از شکست ایران از روسیه و تغییر نگرش ایرانیان به غرب باز می‌گردد؛ چراکه شکست در این جنگ‌ها موجب شد آمیزه پیشین اعتماد به نفس و تساهل نسبی جای خود را به تسلیم در برابر پیشرفت غرب در صنعت نوین و موفقیت‌های مادی آن بدهد (قیصری، ۱۳۸۳: ۳۴).

۴. معرفی دو روزنامه

۱،۴ قانون

روزنامه قانون متعلق به میرزاملکم‌خان بود که اولین شماره آن در بیستم فوریه ۱۸۹۰ در لندن انتشار یافت و در کل ۴۱ شماره از آن منتشر شد. جوهر اندیشه ملکم‌خان مدرنیت یا

تجدید ساختار سیاسی و اداری ایران بود. بنابراین مطالعه نوشته‌هایش از دیدگاه تاریخ اندیشه ضرورت دارد. در آن زمان، کتاب و یا رساله‌ای در زمینه اجتماع و سیاست نمی‌توان یافت که از اندیشه ملکم‌خان اقتباس نکرده و یا از اندیشه‌اش تأثیر پذیرفته باشد. هر چند برخی مقصود ملکم را از انتشار روزنامه قانون انتقام گرفتن از شاه و امین‌السلطان می‌دانند (اصیل، ۱۳۸۱: ۴۲)؛ اما روزنامه قانون کاربردی دیگر یافت و توانست بازتاب منویات و خواسته‌های مردمی باشد که از استبداد خسته شده‌اند.

البته آن‌چنان که از نامه‌های ملکم به امین‌السلطان برمی‌آید او پس از چندی خواستار بازگشت به مشاغل رسمی و امتیاز سفارت ایران و گرفتن امتیاز لاتاری شد (رایت، ۱۳۶۶: ۳۱۰). او که از گزارش‌های رسیده، مبنی بر این که شاه از نفوذی که ملکم‌خان در مطبوعات دارد وحشت‌زده است (صفایی، ۱۳۵۵: ۱۲۰)، مست باده غرور بود، گمان می‌کرد که با پیشنهادهای او موافقت می‌شود، اما خواسته‌اش رد شد و سفارت ایتالیا به او واگذار شد که رد کرد. قانون ملکم عرصه‌ای گردید برای انتقاد از دولت و فنون کشورداری در ایران، نبودن قانون، امنیت، فقر و واپس‌زدگی. مطالعات سیاسی او، که با تجربه عملی‌اش آمیخته بود به علاوه شناخت دیدگاه‌های روشن‌فکران و روان‌شناسی مردم، باعث شد تا او مطالب روزنامه را چنان بنویسد که لبه تیز حمله‌های جمله‌هایش در قانون متوجه استبداد و نتایج تبعی آن یعنی فساد و زورگویی و بی‌قانونی باشد. قانون به مدت ۸ سال به دست خوانندگان رسید. ملکم با انتشار این روزنامه، چهره‌ای آزادی‌خواه و هوادار حکومت قانون یافت و سعی کرد در پیشگاه مردم ایران تبرئه و داستان لاتاری و قرارداد رویت فراموش شود. ملکم‌خان هدف از انتشار روزنامه قانون را چنین بیان می‌کند: ما که به دولت و اقبال مؤسس و خادمان این روزنامه واقع شده‌ایم در حضور خلق عالم و در پیش خلق ایران تعهد می‌کنیم که مال و جان و کل قوای خود را صرف انجام این مأموریت مقدس کنیم. این روزنامه جارچی اتفاق و علمدار حقوق ایران خواهد بود. هر عرضی که خلق ایران داشته باشند با کمال درستی به خاک پای اقدس همایون شاهنشاهی خواهیم رساند و از برای احقاق حق آن‌چه وظیفه غیرت آدمیت باشد محملی خواهیم آورد (قانون، ش ۵: ۱). قانون نماد رزم سنت و تجدد بود، تنش ضمنی اسلام و تجدد را نادیده گرفت، تأثیری مهم بر نخبگان ایران داشت و در ترویج اندیشه‌های مشروطه‌خواهان مؤثر بود.

۲،۴ کاوه

روزنامه کاوه در شرایطی انتشار یافت که بحران امنیت در کشور درخواست شکل‌گیری

دولتی قدرت‌مند در کشور را سراسری کرده بود. تصویر رایج آن زمان نمایان‌گر این نکته بود که کشتی وطن گرفتار دریایی طوفانی است. بنابراین تصویرسازی قهرمان پرورانه و حماسی از کاوه آهنگر، اسطوره تاریخی ایران زمین، صورت گرفت که با درفش کاویانی آمده تا مملکت را از خطر برهاند. از این طریق به توجیه روی کار آوردن دولت مطلقه رضاشاهی در ایران پسامشروطه پرداختند. بحث اصلی نیز این بود که تا چه حد باید ابزارهای غربی را در این راه به کار گرفت. دیدگاهی، که هواداران آن روشن‌فکران غربی‌مآب بودند، بر حفظ ارزش‌های ایرانی تأکید می‌کردند و در عین حال تجددگرایی را معادل غرب‌گرایی می‌دانستند (قیصری، ۱۳۸۳: ۷۲). تقی‌زاده برجسته‌ترین روشن‌فکر هوادار روی کار آمدن دولت مرکزی قدرت‌مند بود که روزنامه کاوه را به منظور سخن‌گوی این طرز جدید اندیشه در برلین منتشر می‌کرد. دوره نخست روزنامه (۱۹۱۶-۱۹۱۹) در جریان جنگ جهانی نخست، به طرف‌داری از آلمان، نوشته می‌شد؛ اما دوره پس از جنگ آن، که عمر کوتاهی داشت (۱۹۲۰-۱۹۲۱)، به ادبیات و تاریخ اختصاص یافت.

نخستین شماره کاوه، که خود تقی‌زاده آن را «روزنامه» می‌نامید، در ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ انتشار یافت. هر شماره کاوه معمولاً هشت صفحه داشت، اما این نظم ظاهراً به دلیل کثرت مطالب گاه بر هم می‌خورد. کاوه در چهار سال اول انتشار خود مجله‌ای سیاسی بود و به جانب‌داری از «متحدین» (آلمان و عثمانی) می‌پرداخت و بخشی از مطالب آن به نشر اخبار جنگ و تحلیل سیاسی وقایع اختصاص داشت که همه به قلم تقی‌زاده، جمال‌زاده و محمد قزوینی بود، اما گه‌گاه مقالات ادبی هم در آن می‌آمد. اکثر همکاران کاوه و یاران برلینی تقی‌زاده، از جمله قزوینی، پورداوود، جمال‌زاده و ایرانشهر به مطالعات شرق‌شناسی اروپاییان توجه خاصی داشتند؛ از همین رو، کاوه برلین در میان نشریات قدیم فارسی، نخستین نشریه‌ای بود که به نقد و معرفی برخی از کتاب‌های اروپایی پرداخت و تعدادی از کتاب‌های معتبر شرق‌شناسان را با عنوان بهترین تألیفات فرنگی‌ها درباره ایران به ایرانیان معرفی کرد. این مقالات بیش‌تر به قلم جمال‌زاده بود، اما ترجمه برخی از مقالات و فصل‌های کتاب مستشرقین نیز، که برای آشنایی ایرانیان با روش علمی تحقیقات جدید مفید بود، در کاوه منتشر می‌شد. کاوه برلین خبر برخی از فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان مقیم برلین را نیز گزارش می‌داد، از آن جمله اخبار مربوط به جشن‌های ایرانیان مقیم برلین، تشکیل انجمن ایران و آلمان به همت عده‌ای از مستشرقان و بزرگان آلمان و اکثر ایرانیان سرشناس مقیم برلین و نیز محفل دیگری به نام صحبت‌های علمی و ادبی که ایرانیان صاحب‌فضیلت و دانا آن را تشکیل دادند تا در جلسات آن هر بار یکی از دانشمندان ایرانی خطابه‌ای علمی ایراد نماید.

پس از شکست آلمان، تقی‌زاده کاوه را به صورت ادبی - تاریخی - اجتماعی درآورد. مقصود از دوره جدید تغییر اساسی است که در تاریخ روزنامه کاوه حادث می‌شد. کاوه در زمان جنگ و به شکل روزنامه‌ای سیاسی تأسیس شد که غرض عمده از نشر آن در ابتدا تقویت معنوی بود. کاوه زاینده جنگ بود و جنگ که ختم شد و صلح بین‌الملل در رسید، کاوه نیز دوره جنگی خودش را ختم شده دانست. مسلک روزنامه ترویج تمدن اروپایی، حمایت از ملیت ایرانی و تمامیت ملی، توسعه و حفظ زبان و ادبیات فارسی اعلام شد. تقی‌زاده برای رسیدن به این اهداف قبول و ترویج بدون قید و شرط تمدن اروپا و تسلیم مطلق در برابر آداب و رسوم، تربیت، علوم و صنایع اروپا را توصیه می‌کرد و خلاصه این‌که ایران باید ظاهراً، باطناً، جسماً و روحاً فرنگی مآب شود (کاوه دوره جدید ۱۲۸۹، ش ۱:۱).

آخرین شماره کاوه، که تعطیل موقت خود را اعلام کرد، زیر عنوان ورقه فوق‌العاده کاوه در هشت صفحه به تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۲ منتشر شد. علت تعطیل، خدمت به مملکت ایران اعلام شده بود؛ زیرا تقی‌زاده از طرف دولت ایران برای عقد قرارداد تجارتي و گمرکی با روسیه مأموریت یافته بود. کاوه برلین در مدت عمر پنج‌سال و دوماهه خود، ۵۹ شماره انتشار داد، اما علت اساسی تعطیلی کاوه فقر مالی بود. به همین دلیل، کاوه در شماره ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۰ سرمقاله‌ای با عنوان استمداد انتشار داد که در آن چنین آمد:

ما نویسندگان کاوه که همه اوقات خودمان را صرف نشر علوم و حقایق (به عقیده خودمان) و جهاد با جهل و تعصب می‌کنیم و هوس زیادی به این خدمت داریم و حاضریم همه پشتکار و وقت خود را برای تتبع و تحریر مقالات کاوه و تألیف کتب مفیده علمی و سایر زحماتی که برای نشر مرتب و منظم یک روزنامه لازم است مصروف بداریم و در مقابل آن زندگی باوسعتی هم فعلاً نمی‌خواهیم، به اهل فضل و دوستان معرفت خطاب کرده متمنی هستیم که ده نفر صاحبان همت پیدا شود که هر کدام دویست تومان نقد و فوری برای استحکام اساس کاوه بدهند تا به این ترتیب دوهزار تومان پول نقد برای سرمایه ابتدایی کاوه در بانک جمع شود و بدین طریق روزنامه کاوه مستقل گردد و در آینده به واسطه وجوه اشتراک، دخل و خرج هم تواند کرد.

۵. تحلیل یافته‌ها

تحلیل داده‌های دو روزنامه قانون و کاوه، از جنبه بازنمایی دیگری ایرانی در قالب کارگزاران اجتماعی، نشان‌دهنده وجود ناهمانندی‌هایی است.

۱,۵ قانون

۱,۱,۵ حذف

- «چرا به امضای سایر دولت‌ها پول می‌دهند و به امضای دولت ما یک غاز نمی‌دهند...» (قانون، ش ۷:۳). (پس زمین‌سازی) (چه کسانی پول می‌دهند؟ غاز نمی‌دهند؟)
- «مدتی است که در خارج مثل تلگراف و کشتی بخار و صد اختراع دیگر پیدا کرده‌اند» (همان: ش ۴:۳) (پس زمین‌سازی) (چه کسانی پیدا کرده‌اند؟)
- «از انگلیس شکست خورد» (همان: ش ۱۵:۴). (پس زمین‌سازی) (چه کسی شکست خورد؟) (کتمان)
- «می‌گویند قوانین آن‌ها به اصل اسلام نزدیک‌تر است» (همان: ش ۲۸:۷). (پس زمین‌سازی) (چه کسانی می‌گویند؟)
- «تا آخر این پادشاه را بر آن داشتند...» (همان: ش ۱۷:۳). (کتمان)
- «سال گذشته یعنی سنه ۱۸۸۹ ... دو کرور تومان امتعه به خارج حمل شده» (همان: ش ۱:۱). (کتمان)
- «هنر و شرافت خود را به زور قلم بروز داده‌اند» (قانون، ش ۱:۳). (پس زمین‌سازی)
- «مهمان عزیز ما هستند» (قانون، ش ۱۷:۳). (پس زمین‌سازی)
- «جرئت نمی‌کنند یک دینار به ما اعتبار نمایند» (قانون، ش ۳:۱).

۲,۱,۵ اظهار

۱,۲,۱,۵ تعیین نقش

الف) فعال‌سازی

- «اهل فرنگستان به حیرت دیدند...» (همان: ش ۳۶:۱).
- «مأمورین و سیاحان خارجه که در آذربایجان می‌گذرند» (همان: ش ۵:۲).
- «تا این اواخر دول خارجه اعتراض می‌کردند» (همان: ش ۱۶:۴).
- «جمیع ملل خارجه به حکم عقل و علم خود منترع اتفاق و صاحب حقوق شده‌اند» (همان: ش ۲۷:۲).
- «دول خارجه می‌آیند» (همان: ش ۲۹:۱۱).
- «عقلای خارجه می‌گویند» (همان: ش ۵:۱).

- «این اوقات روزنامه‌های خارجه از سفاهت‌های دولت ایران مضامین سخت می‌نویسند» (همان: ش ۲: ۳).

۳,۱,۵ منفعل سازی

۱,۳,۱,۵ منفعل سازی تأثیرپذیری مستقیم

- «کلدانی‌های رومی معقول تربیت شده‌اند» (همان: نمره ۱: ۷).
- «یکی از رجال تهران در بین صحبت با یکی از مأمورین خارجه این مضمون را بیان کرده بود که ...» (همان: نمره ۱۷: ۲).
- «ممکن نبود که ظهور آدمیت در ممالک ایران حواس بینندگان فرنگستان را متوجه این صفحات نسازد» (همان: نمره ۲۵: ۱).
- «به اهل فرانسه بیش‌تر محبت و اعتقاد دارم» (همان: ش ۲۸: ۳).
- «باید اقلان نظام خارجه را قبول نمایید» (همان: ش ۲۹: ۴).
- «یکی از متفقین معروف فرنگستان را بدون هیچ منصب ظاهری مأمور تحقیق و تفتیش اوضاع ایران ساخت» (همان: ش ۵: ۳).
- «چرا سابق انگلیسی‌ها محبوب خلق ایران بودند» (همان: ش ۱۸، ۳).
- «... که فرمان امنیت را رسماً به دول خارجه ابلاغ بکند» (همان: ش ۱۷: ۳).

۲,۳,۱,۵ منفعل سازی تأثیرپذیری غیر مستقیم

- «اگرچه پیشرفت و قدرت این اتفاق را تا این اواخر از افکار خارجه پوشیده داشته‌ایم» (همان: نمره ۱۷: ۱).
- «این دستگاه‌های قبیح که شما از برای ... ایران برپا کرده‌اید ما را مجبور خواهد کرد» (همان: ش ۲: ۲۲).
- «آن اسافل خارجی ... به جهت یک نشان کثیف ... خودی می‌شوند» (همان: ش ۱۸: ۳).

۴,۱,۵ تعیین نوع اشاره: مشخص سازی و نامشخص سازی

- «و الان در عموم دول خارجه محرک جمیع تنظیمات دنیاست» (همان: ش ۱: ۵).
(نامشخص سازی)
- «که این اوقات انگلیس و روس که سهل است راضی شده‌ایم کرد و ترکمن بیاید» (همان: ش ۵: ۳). (مشخص سازی)

- «ما اهل ایران با کدام دولت خارجه باید دوست باشیم» (همان: ش ۲: ۱۷).
(نامشخص سازی)
- «من این شخص را در فرنگستان ...» (همان: ش ۵: ۳). (مشخص سازی)

۵,۱,۵ شیوه مشخص سازی

۱,۵,۱,۵ پیوند زدن و پیوندزدایی

- «قوانین انگلیس و سایر دولت چیزی نمی گویم» (همان: ش ۳: ۳).
- «از بدو جوانی در ملک عسکریه مصر و خدمات شایان و مدتی در لندن و پاریس و برلین و اسلامبول سفیر ایران و در سفر اول شاه به فرنگستان جزو وزرای بزرگ و ملتزم به رکاب همایون بود» (همان: ش ۵: ۳).
- «جای تعجب است که معلمین انگلیس و فرانسه در میان این طایفه نیم و حشی توانسته اند» (همان: ش ۷: ۱).
- «مأمورین و سیاحان خارجه که از آذربایجان می گذرند» (همان: ش ۵: ۱).
- «که این اوقات انگلیس و روس سهل است» (همان: ش ۵: ۳).
- «ترتیب چنان قانون و اختراع چنان چرخ که به نظر ما محال آید» (همان: ش ۴: ۳).
- «در خارچ مثل تلغراف و کشتی بخار و صد اختراع دیگر پیدا کرده اند» (همان: ش ۴: ۳).

۲,۵,۱,۵ تفکیک کردن

- «آن دولتی که با خلق ایران خوب و با ظالمان بد است» (همان: ش ۱۷: ۳).
- «آن غربای نجیب که در ملک ما مشوق آدمیت ... می شوند مهمان عزیز ما هستند» (همان: ش ۱۷: ۳).
- «به عموم آن ها اعلام خواهیم کرد» (همان: ش ۲۲: ۳).
- «در هند، در پاریس، در تفلیس، در مصر، در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کس می داند که حقوق و وظایف او چیست» (همان: ش ۱: ۱).
- «کل شهر ما را چند نفر گبر بمبایی و چند نفر یهودی در لندن ده دفعه می توانند بخرند» (همان: ش ۲: ۱).
- «چرا به امضای سایر دولت کرورها پول می دهند و به امضای دولت ما یک غاز نمی دهند» (همان: ش ۷: ۳).

۳,۵,۱,۵ طبقه‌بندی کردن (نقش‌دهی)

- «کشف این مسئله را از سفیر خود ... خواست» (همان: ش ۱:۲۵).
- «که از شرط زندگی خود به قدر غلامان سفرای خارجه اطمینان داشته باشد» (همان: ش ۱: ۲۵)
- «جمع وزرای ...» (همان: ش ۱: ۵)
- «مأمورین خارجه از ایران ... شرح می‌دهد» (همان: ش ۱: ۵).
- «معلمین انگلیس و فرانسه تولید شعور نمایند» (همان: ش ۱: ۷).
- «مأمورین و سیاحان خارجه ... تحسین می‌کنند» (همان: ش ۲: ۵).
- «وزاری فرنگستان با این که ...» (همان: ش ۳: ۲۹).
- «از برای رؤسای ملک دین خود» (همان: ش ۳: ۳۹).

۶,۱,۵ تشخیص‌زدایی (عینی کردن)

۱,۶,۱,۵ ایزارمداری

- «باید برویم چکمه سالدات خارجه را بیوسیم» (همان: ش ۷: ۱).
- «مدتی است که در خارج مثل تلغراف و کشتی بخار و صد اختراع دیگر پیدا کرده‌اند» (همان: ش ۵: ۱).
- «به جهت یک نشان کثیف و یا یک طاق شال ... جور می‌شوند» (همان: ش ۳: ۱۷).
- «... کرورها پول می‌دهند» (همان: ش ۳: ۷).
- «... صاحب یک روزنامه ... است» (همان: ش ۳: ۳).

۲,۶,۱,۵ گفته‌مداری

- «... این طور می‌نویسد: ...» (همان: ش ۲: ۳).

۳,۶,۱,۵ تعیین ماهیت (کل ارجاعی)

- «جمع ملل خارجه به حکم ... صاحب حقوق شده‌اند» (همان: ش ۲۷: ۲).
- «از حقیقت خیالات خارجه غافل مگذرید» (همان: ش ۳۹: ۲۰).
- «که فرمان امنیت را رسماً به دول خارجه ابلاغ بکند» (همان: ش ۱۷: ۳).

۷,۱,۵ تفسیر متن‌های منتخب از روزنامه قانون

بازنمایی غرب از لحاظ کارگزاران اجتماعی در قانون، با به‌کارگیری ۱۲۶ مؤلفه

جامعه‌شناختی - معنایی در ۱۵۸ جمله صورت گرفته است. در میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، تشخیص‌بخشی، فعال‌سازی، تشخیص‌زدایی، حذف و جنس ارجاعی به‌ترتیب از مؤلفه‌های مورد استفاده در بازنمایی کارگزاران اجتماعی غرب در قانون بوده‌اند. شواهد نشان‌دهنده رویکرد این روزنامه در نشان دادن کارگزاران غرب در قالب انسان‌هایی فعال و تأثیرگذار است که این خود به رویکرد و نگاه به غرب از سوی گردانندگان این نشریه باز می‌گردد. ملکم‌خان مرجعیت غرب را باور داشت و بر این باور بود که آنچه جهان غرب در دانش و فن و جلوه‌های مدنیت پدید آورده، ثمره دانش تجربی است و اکنون که چنین اندوخته‌ای ارزش‌مند در اختیار غرب قرار دارد تنها کار بخردانه برای ایرانیان تقلید از دستاوردهای تمدنی غرب است (اصیل، ۱۳۷۶: ۷۰). به همین دلیل رویکرد بازنمایی غرب به مثابه دیگری در قالب کارگزاران اجتماعی در این روزنامه، در راستای غرب‌گرایی و غرب‌مآبی بود. در واقع، پویایی کارگزاران غربی در آن دوران و تصویری که روشن‌فکران آن زمان از غرب داشتند، در نشریه بازنمایی شده است. هم‌چنین با احتساب میزان رازگونی متون قانون می‌توان دریافت که روند بازنمایی کارگزاران غربی از صراحت نسبتاً بالایی برخوردار است. در واقع می‌توان تلاش روزنامه را برای پویانمایی و برجسته‌سازی آن‌ها دریافت که با ویژگی تجددگرایانه این نشریه رابطه معناداری دارد. گرایش به غرب و غرب‌گرایی این نشریه موجب شده تا کارگزاران اجتماعی به صورت فعال بازنموده شوند و در این بازنمایی از صراحت آشکار استفاده شود.

۲,۵ کاوه

۱,۲,۵ حذف

- «... که گوش‌ها را پر کنند» (کاوه، ش ۲:۲). (پس‌زمینه‌سازی)
- «... افکار حسنه خود را به طرزهای حسنه بیان نمایند» (همان: ش ۱: ۵). (پس‌زمینه‌سازی)
- «که در تاریخ عملیات غرب نظیر آن دیده و شنیده نشده است» (همان: ش ۲:۶). (کتمان)
- «این دسته دشمن داخلی در سال ۱۲۹۶ بعد از عودت ناصرالدین‌شاه از فرنگ ایجاد شد» (همان: ش ۴:۵). (کتمان)
- «برای ایران چیزی نگذاشته‌اند» (همان: ش ۲:۱). (کتمان)
- «همه را شریک فساد خود سازند» (همان: ش ۲: ۵). (پس‌زمینه‌سازی)

- «... همه جا عمال فاسد انگلیس و روس رانده شده» (همان: ش ۲:۳). (کتمان)
- «عمل او را ... شماردند» (همان: ش ۱:۱۹). (پس‌زمینه‌سازی)
- «و هر روز به بهانه ... به اراضی جدید دست‌اندازی می‌نماید» (همان: ش ۳:۱۳). (پس‌زمینه‌سازی)
- «همان طور که فرانسه را ... می‌نامند» (همان: ش ۳:۲۸). (کتمان)

۲,۲,۵ اظهار

۱,۲,۲,۵ تعیین نقش

۱,۱,۲,۲,۵ فعال‌سازی

- «روس و انگلیس به ایران نه رحم و نه احترام خواهند کرد» (همان: ش ۱: ۲).
- «در ابتدای جنگ حالیه روس و انگلیس و فرانسه رقابت‌های دیرینه خود را به‌کلی کنار گذاردند» (همان: ش ۱: ۶).
- «جمیع وزرای فرنگستان اشخاصی هستند که هنر و شرافت خود را به‌زور قلم بروز داده‌اند» (همان: ش ۱: ۵).
- «عثمانی‌ها از جیب و بغل‌های اشرافی فرانسه و انگلیس مکرر اسکناس‌هایی درآوردند» (همان: نمره ۱: ۶).
- «رئیس اظهار کرد» (همان: ش ۹: ۲۷).
- «دولت ایالت متحده امریکای شمالی توسط وزیر مختار خود ... نشر می‌کند» (همان: ش ۱۱: ۳۶).
- «سیاح آلمانی می‌نویسد» (همان: ش ۴: ۳۷).
- «هون‌ها اولین بار ... به حرکت درآمدند» (همان: ش ۵ جدید: ۸).
- «پادشاه ... حضور به هم رسانده بودند» (همان: ش ۲۷: ۴۰).
- «مستشاران انگلیسی ... هستند» (همان: ش ۲۷: ۴۰).
- «دولت نفاق و جهه همت ... گماشتند» (همان: ش ۵: ۱).

۲,۱,۲,۲,۵ منفعل‌سازی

الف) منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم

- «آن شخص را مردم فوراً سنگسار می‌کردند» (همان: ش ۲: ۱۴).
- «اقلاً دیگران را مانع ترقی دادن ایران نگرداند» (همان: ش ۵: ۹).

- «دولت ایران دشمن را تهنیت گفته» (همان: ش ۵-۶: ۹).
- «او را ذی‌حق دانستند» (همان: ش ۱: ۱۱).
- (ب) منفعل‌سازی تأثیرپذیری غیر مستقیم
- «پس از شکست در میدان حرب دول نفاق و جهه همت خود را بر این گماشتند که ... تمام دنیا را بر آلمان بشورانند» (همان: نمره ۱: ۵).
- «یک قرن و نیم بعد ... واقعه مذکوره که آسیائیان به اروپا حمله بردند» (همان: نمره ۱: ۶).
- «همه را شریک فساد خود سازند» (همان: ش ۵: ۱).
- «بعد از جنگ هولناک نصیب آلمان شد» (همان: ش ۲: ۶).
- ۲,۲,۲,۵ تعیین نوع اشاره (مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی)**
- «شک‌کننده در همین حقیقت محض و امیددارنده به بقای استقلال ایران در صورت غلبه روس و انگلیس منکر بدهی و محروم از عقل سیاسی است» (همان: ش ۲: ۱).
- (مشخص‌سازی)
- «در هند، در پاریس، در تغلیس، در مصر، در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کسی می‌داند که حقوق و وظایف او چیست» (همان: ش ۱: ۱). (نامشخص‌سازی)
- «در هر دولتی که مردم مأذون هستند افکار حسنه خود را به طرزهای حسنه بیان نمایند» (همان: ۵). (نامشخص‌سازی)
- «در میان غلغله ... دارالسلطنه برلین» (کاوه، ش ۲۰: ۲۰). (مشخص‌سازی)
- «سفارتین ... تحدید کنند» (همان: ش ۲۰: ۲۰). (مشخص‌سازی)
- «انگلیسی‌ها از وقتی دیدند ...» (همان: ش ۴: ۲۵). (مشخص‌سازی)
- «متفقین امیدهای زیادی ... داشتند» (همان: ش ۶: ۲۲). (مشخص‌سازی)
- «اوضاع جنگ فرنگستان ... ظهور استعمار تازه‌ای دارد» (همان: ش ۴: ۱). (نامشخص‌سازی)
- «هر کس که به فرنگ سفر کرده ...» (همان: ش ۳۹-۴۰: ۱). (نامشخص‌سازی)
- ۳,۲,۲,۵ شیوه مشخص‌سازی**
- (الف) پیوندزدن و پیوندزدایی
- «تصور می‌کنند مثلاً تکلیف ملی ایران در این زمان مانند تکلیف رومانی یا بلغاری و یونان مسئله غامضی است» (همان: ش ۱: ۲).

- «در ابتدای جنگ حالیه روس و انگلیس و فرانسه رقابت‌های دیرینه خود را به کلی کنار گذاردند» (همان: ش ۱: ۶).
 - «شرکت نفت انگلیس و ایران ... یک شرکت انگلیسی است» (همان: ش ۹: ۸).
 - «قوای انگلیس و فرانسه فقط به ظاهرسازی اکتفا کرد» (همان: ش ۱: ۵).
 - «... خط سرب فرانسه و آلمان ... بود» (همان: ش ۲: ۱۴).
 - «و بر خلاف آلمان و انگلیس مملکتی است» (همان: ش ۲۸: ۲).
 - «سفرای روس و انگلیس ... خودسرانه پیش شاه رفتند» (همان: ش ۲۸-۳۰: ۲).
 - «در فرنگ مردها با زن‌ها می‌رقصند» (همان: ش ۸: ۹).
- (ب) تفکیک کردن
- «آن دولتی که با خلق ایران خوب و با ظالمان بد است» (همان: ش ۱۷: ۳).
 - «آن غربای نجیب که در ملک ما مشوق آدمیت ... می‌شوند مهمان عزیز ما هستند» (همان: ش ۱۷: ۳).
 - «به عموم آن‌ها اعلام خواهیم کرد» (همان: ش ۲۲: ۳).
 - «تکلیف ملی ایران در این زمان مانند تکلیف رومانی، بلغاری و یونان مسئله غامضی است که ... در برابر بودن با روس و انگلیس یا بر ضد آن‌ها یا بی‌طرف ماندن» (همان: ش ۱: ۲).
 - «همان انگلیس با همدلی روس یک ملت ضعیفی را در همان وقتی که سعی می‌کرد خود را آزاد کند ... اسیر می‌نماید» (همان: ش ۱۱: ۱).
 - «هر چه او کند قانونی است و عمل دیگران همه بر ضد قوانین موعظه است» (همان: ش ۱۱: ۲).
 - «... با روس و انگلیس و یا بر ضد آن‌ها یا بی‌طرف ماندن داشته باشد» (همان: ش ۱: ۲).
 - «یعنی در میدان عمده فرانسه و روسیه که صفوف آلمان با دشمنان خود روبه‌رو است» (همان: ش ۴: ۱).
 - «... که دول اتفاق ... و آلمان‌ها و متحدین او هستند» (همان: ش ۱۴: ۱).
 - «جنگ ... که اکنون میان ده دولت بزرگ و کوچک از یک طرف (متفقین) و چهار دولت از طرف دیگر (متحدین) برپاست» (همان: ش ۱۸-۱۹: ۱).

ج) نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن

ج. ۱) نام‌دهی

- «مستر چرچیل ... در نطق رسمی خود گفت» (همان: ش ۱: ۶).
- «گوستاو هرویر هفت ماه پیش ... نوشت» (همان: ش ۱: ۶).
- «و به تدریج ... مستر مورگان شوستر امریکایی ... تشکیل داده بود» (همان: ش ۲۳: ۸).
- «ملت آلمان را باید از روی ... کانت ... گوته و شیلر و ... شناخت» (همان: ش ۲: ۳).
- «یعنی کایکر و کون در ... رسیده است» (همان: ش ۲۷: ۱۱).
- «مجلس با نطق فن هیتک افتتاح گردید» (همان: ش ۲۷: ۲).
- «لرد کرزن اشاره کرد ...» (همان: ش ۲۵: ۵).

ج. ۲) طبقه‌بندی

ج. ۱، ۲) نقش‌دهی

- «مستر چرچیل وزیر مجریه انگلیس» (همان: ش ۱: ۶).
- «پادشاه حالیه انگلیس» (همان: ش ۲: ۸).
- «... توسط وزیر مختار خود» (همان: ش ۳۶: ۱۱).
- «هیئت وزراء» (همان: ش ۲۵: ۹).
- «ژاندارمری تحت تعلیم صاحب‌منصبان سوئدی تشکیل شده» (همان: ش ۲۳: ۸).
- «صدهزار نفر تحت سرکردگی ژنرال ... بودند» (همان: ش ۱: ۷).
- «سفر ... محاصره کرد» (همان: ش ۳: ۲).
- «پرفسور ... بی‌غرضی و بی‌طرفی است» (همان: ش ۱۱: ۱).
- «رئیس شرکت ... شرح داد» (همان: ش ۲۷: ۹).

ج. ۲، ۲) هویت‌دهی

- «با این‌که ژنرال‌های ایشان بتوانند از داردائل ... فرار کنند» (همان: ش ۱: ۱۴).
- «انگلیسیان باید فخر کنند» (همان: ش ۲: ۱۴).
- «در مقام معاونت دول کافر» (همان: ش ۳۰: ۳).
- «انگلیسی‌ها به دسایس» (همان: ش ۲۷: ۷).

ج. ۳، ۲) ارزش‌دهی

- «در این ایام تقابل کفر و اسلام» (همان: ش ۲: ۳).

- «به قول شرف نمایندگان بی شرف خارجیه اعتماد کرده» (همان: ش ۳: ۲).
 - «ملل مغلوبه احداث کرده» (همان: ش ۴: ۲).
 - «... در همراهی با دشمنان خود ایران» (همان: ش ۱: ۲).
 - «روزگاری دراز از جور و ستم بیگانگان نمی گذشت» (همان: ش ۲۷: ۱).
 - «دول نفاق» (همان: ش ۱: ۵).
 - «پرفسور مذکور در کمال بی غرضی و بی طرفی است» (همان: ش ۱۱: ۱).
 - «دو اثر ملل متخاصم و بی طرف دارد» (همان: ش ۱۱: ۱).
 - «فقط احتمال قوی یا ضعیف ... خودش است» (همان: ش ۱: ۲).
- د) مشخص‌نمایی تک‌موردی و چندموردی
- د. ۱) وارونگی
- «پنجه قهری که گلوی ایران را تقریباً ۲۰۰ سال بود» (همان: ش ۲۸: ۲).
 - د. ۲) دلالت ضمنی کردن
 - «از آن جمله چند صاحب‌منصب مشهور که در تاریخ ایران معروف شده‌اند» (همان: ش ۲۷: ۵)
 - «... تمدن فرنگی‌های ریش و سیبیل تراشیده» (همان: ش ۱۱: ۲).
 - «در ممالک متمدنه عده خیلی کمی از مردم مشغول امور سیاسی هستند» (همان: ش ۱ جدید: ۲)
- د. ۳) فشرده‌گی
- «آن اسافل خارجی که می‌آیند» (همان: ش ۱۷: ۳).
 - «و میدان تعلیمات آن ملت مکار است» (همان: ش ۱: ۲).
 - «دشمنان مکار غدار در هر جا شکست خوردند» (همان: ش ۵: ۱).
 - «که دول مرکزی «وحشی» و «ملت‌کشی» و «جهانگیری» (همان: ش ۱۴: ۱).

۴,۲,۲,۵ تشخیص‌زدایی

الف) انتزاعی کردن

- «این شد که یک گله جهال گدا و گرسنه با ریاست‌های عجیب و غریب ریختند به فرنگستان» (همان: ش ۳۲: ۱).

ب) عینی کردن

ب. ۱) مکان‌مداری

- «در هند، پاریس» (همان: ش ۱: ۱).
- «من این شخص را در فرنگستان» (همان: ش ۵: ۳).
- «سواحل خلیج فارس در اسارت انگلیس و میدان تعلیمات» (همان: ش ۱: ۲).
- «در فرنگستان قورباغه را می‌خورند» (همان: ش ۴۳: ۸).
- «در میان ... دارالسلطنه برلین» (همان: ش ۱: ۲).
- «از همین تنگه داردانیل از غرب و شرق برعکس» (همان: ش ۱: ۶).
- «خبر رسیده که امریکا در سال‌های اخیر» (همان: ش ۳۶: ۱۱).
- «در اروپا ملل بزرگ» (همان: ش ۶: ۲).
- «این معایب در آن‌جا هم هست» (همان: ش ۲: ۴).

ب. ۲) ابزارمداری

- «باید برویم چکمه سالدات خارجه را بیوسیم» (همان: ش ۷: ۱).
- «جمع وزیرای فرنگستان اشخاصی هستند که هنر و شرافت خود را به زور قلم بروز داده‌اند» (همان: ش ۱: ۵).
- «به علاوه چند کشتی جنگی» (همان: ش ۲: ۶).
- «یک مرتبه در آستین فرو رفت» (همان: ش ۲۸: ۳).
- «این کتاب به قلم چند نفر» (همان: ش ۲۷: ۱۱).
- «جرائد ممالک اتفاق» (همان: ش ۱۴: ۱).
- «بازار شطرنج مثل» (همان: ش ۱۲: ۵).

ب. ۳) اندام‌وار

- «پنجه قهری که گلوی ایران را تقریباً ۲۰۰ سال بود» (همان: ش ۲۸: ۲).

۵,۲,۲,۵ تعیین ماهیت

الف) فرد ارجاعی

- «در موقع تاج‌گذاری جورج پنجم» (همان: ش ۲: ۸).
- «گوستاو هرو هفت ماه پیش نوشت» (همان: ش ۱: ۶).
- «سرکردگی اسکندر کبیر» (همان: ش ۱: ۶).

- «تحت سرکردگی ژنرال داماتو فرانسوی و ژنرال همیلتون» (همان: ش ۱:۷).

- «... لرد کرزن اشاره کرد» (همان: ش ۲۶: ۵).

- «گایکر و کرن» (همان: ش ۲۷: ۱۱).

ب) کل ارجاعی

- «جمیع ملل خارجه به حکم ... صاحب حقوق شده‌اند» (همان: ش ۲۷: ۲).

- «از حقیقت خیالات خارجه غافل مگذرید» (همان: ش ۳۹: ۲۰).

- «که فرمان امنیت را رسماً به دول خارجه ابلاغ بکند» (همان: ش ۱۷: ۳).

- «گویا اهالی پاریس نیز چندان اعتمادی به سخنان پوچ ... خود نداشته‌اند» (همان: ش ۱: ۶).

- «فشار خارجی‌ها دخیل بود» (همان: ش ۲۹-۳۰: ۴).

- «آن‌ها به دول خارجه» (همان: ش ۴: ۱۲).

۳,۲,۵ تفسیر متن‌های منتخب از روزنامه کاوه

بازنمایی کارگزاران غرب در کاوه در ۳۶۴ جمله مورد بررسی، با ۲۰۱ مؤلفه صورت گرفت. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی به کاررفته در نشریه را می‌توان چنین نام برد: کل ارجاعی، تشخیص‌بخشی، فعال‌سازی، تشخیص‌زدایی، حذف و طبقه‌بندی. کارگزاران اجتماعی بر حسب کل ارجاعی در بالاترین میزان بازنمایی می‌شوند. استفاده از مؤلفه تشخیص‌بخشی و فعال‌سازی نیز نشان فعال بودن کارگزاران غربی در جامعه و تفکر گردانندگان نشریه است که البته بر حسب مقتضیات زمان و مکان، به نوع پوشیده و غیر صریح بازنمایی توسل جسته‌اند. به دلیل رویکرد گردانندگان نشریه به غرب به خصوص در دو مقطع حمایت از آلمان و سپس رویکرد تاریخی - فرهنگی نشریه، رویه‌های گوناگون بازنمایی، تغییرات محسوسی دارد. در دوران حمایت از آلمان، استفاده از عنصر مکان نمایی و عینی کردن از میزانی حدود ۵۸/۵ درصد برخوردار بود. اما در دوران دوم انتشار، بیش‌تر رویه فرهنگی - تاریخی مورد نظر بود. در دوره بعد، بیش‌تر، کل ارجاعی مؤلفه بازنمایی مورد استفاده است. غرب به صورت یک کلیت در نظر گرفته می‌شود که باید به طور کامل و بدون گزینش به آن رو کرد و راه چاره ایرانی، در اقتباس و تقلید صرف، توصیه می‌شود. انتشار دوباره کاوه، که بیش‌تر در جهت ترویج بلاقید و شرط تمدن اروپایی بود، زمینه لازم را برای چنین ارجاعات صریحی به کارگزاران غربی فراهم می‌کرد. این صراحت موجب می‌شد تا برخی انتقادات به او وارد شود که اگر چه حق با اوست اما گفتن این مطلب به این صراحت خلاف احتیاط و سیاست است (بهنام، ۱۳۸۲: ۸۲).

۶. نتیجه گیری

هر دو نشریه قانون و کاوه، با تفاوت معمول در میزان به کار بستن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، رویه‌ای یکسان در بازنمایی کارگزاران غربی - فرنگی پیموده‌اند. کارگزار غربی، در هر دو نشریه متجدد ایرانی، به دلیل وجود رگه‌هایی قدرت‌مند از اندیشه تجددگرا در میان گرداندگان آن (به‌ویژه میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله و سیدحسن تقی‌زاده)، با صراحت و به صورت فعال بازنمایی شده‌اند. میزان رازگونگی دو نشریه نشان می‌دهد که روزنامه قانون که بر مبنای اندیشه ملکم‌خان به تلفیق گفتمان دیگری و خودی پرداخته بود، از صراحت کم‌تری در بازنمایی دیگری در مقایسه با نشریه کاوه برخوردار است؛ زیرا وی در آغاز راه خواهان مشروطیت در ایران بوده و بی‌گمان مجبور بوده است با توجه به مقتضیات جامعه ایرانی عناصر تمدن غربی و فرنگی را منطبق با اسلام نشان دهد. بازنمایی دیگری غربی در قانون نیز از درجه نسبتاً بالای صراحت برخوردار است، اما قانون بیش‌تر سعی دارد تا با مصلحت‌گرایی پیش رود. در روزنامه کاوه، وجود تجربه تاریخی ناشی از بر باد رفتن آرزوهای مشروطه‌خواهان که در میان نخبگان کمیته برلین به عنوان مؤسسان کاوه رواج عام یافته بود، سبب شد تجددگرایی به معنای تسلیم مطلق شدن به فرهنگ غرب تعبیر شود و مؤلفه‌هایی هم‌چون خود و ایرانی در برابر غرب (یک اسطوره فرهنگی - تمدنی موفق و کارآمد) عقب‌مانده و حقیر شود. ارجاعات صریح به کارگزاران اجتماعی غرب در این روزنامه و دوری از مصلحت‌گرایی خاص ملکم‌خان، موجب تمایز میان رویه‌های دو روزنامه در بازنمایی دیگری می‌شود. هر چند تقی‌زاده به مثابه محور اصلی کاوه، نیز هم‌چون ملکم‌خان از جمله روشن‌فکران هواخواه ایده ترقی تحت تأثیر اندیشه روشن‌گری بود، اما شرایط و بافت اجتماعی و سیاسی حاکم موجب شد تا رمزگونگی قانون اندکی بالاتر از کاوه باشد؛ اما، در عوض هر دو روزنامه به دلیل حاکمیت ایده ترقی «دیگری» را در قالب کارگزاری پویا بازنمایی سازند.

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (قانون و کاوه)

روزنامه	تعداد جمله	مؤلفه‌ها	میزان گفتمان‌مداری	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار							
				حذف	فعال‌سازی	منفعل‌سازی	تشخیص‌بخشی	تشخیص‌زدایی			
				درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد
قانون	۱۵۱	۱۲۶	۷۹٫۷۴	۱۹	۱۵۰٫۷	۱۱	۸۷٫۳	۴۱	۳۲٫۵۲	۱۸	۱۴٫۲۸
کاوه	۳۶۴	۱۸۷	۵۱٫۳	۱۴	۷۴٫۸	۱۲	۶۴٫۱	۱۰۱	۵۴٫۰	۲۲	۱۱٫۷

بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده در متون و میزان رازگونی (قانون و کاوه)

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										روزنامه	تعداد جمله
میزان رازگونی	جنس ارجاعی		طبقه‌بندی کردن		تشخص‌زدایی		منفعل‌سازی		حذف		
		درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد
۶۳٫۴۹	۲۱٫۲۵	۱۷	۱۸٫۷۵	۱۵	۲۲٫۵	۱۸	۱۳٫۷۵	۱۱	۳۳٫۷۵	۱۹	۱۵۸
۶۱٫۴۹	۱۵٫۱۱	۵۵	۳٫۳	۱۲	۶٫۰۴	۲۲	۳٫۳	۱۲	۱۲٫۱۷	۴	۳۱۴

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی بین دو انقلاب در ایران، تهران: قومس.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱). رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، تهران: نشر نی.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بروجردی، مهرداد (۱۳۸۴). روشن‌فکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۲). «تقی‌زاده و مسئله تجدد»، ایران‌نامه، بهار و تابستان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- تقی‌زاده، سیدحسن [و دیگران] عبدالکریم جریزه‌دار [به اهتمام] و ایرج افشار [مقدمه و فهرست مندرجات] (۱۳۸۴). کاوه، تهران: اساطیر.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۶). روش‌شناسی در علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- حیدری تبریزی، سیدآیت‌الله و رزمجو، حسین (۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی / معنایی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۴۸.
- دایک، تون آدریانوس فان (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه پیروز ایزدی [و دیگران]، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- رایت، دنیس (۱۳۶۶). ایرانیان در بین انگلیسی‌ها، ج ۲، ترجمه کریم امامی، تهران: نشر نو.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۸). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدیر.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۵). مدارک تاریخی، تهران: بی‌نا.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۷۹). جادوی گفتار، تهران: آینده.

سمیه زمانی و محسن خلیلی ۱۰۵

فاضلی، محمد (۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ش ۱۴. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران [و دیگران]، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قیصری، علی (۱۳۸۳). *روشن‌فکران ایران در قرن بیستم*، تهران: هرمس.
گال، مردیت، والتر بورگ و جوئیس گال (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ج ۲، ترجمه احمد رضا نصر [و دیگران]، تهران: سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

مصباحی‌پور، جمشید (۱۳۵۸). *ایرانیان، واقعیت اجتماعی و جهان داستان*، تهران: بی‌نا.
مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.

ملکم‌خان ناظم‌الدوله (۱۳۵۵). *قانون*، به کوشش و با مقدمه هما ناطق، تهران: امیرکبیر.

میلز، سارا (۱۳۸۲). *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: فرهنگ گفتمان.

ون‌دایک، تئون (۱۳۸۲). «اصول گفتمان‌کاوی انتقادی»، در: *مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، ترجمه شعبان‌علی بهرام‌پور، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۱). «تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی گفتمان‌مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان*، ش ۱۰ و ۱۱.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.

Jorgensen, M. and L. Philips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications.

Van Leeuwen, Theo (2008). *Discourse and Practice*, Oxford: Oxford University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی